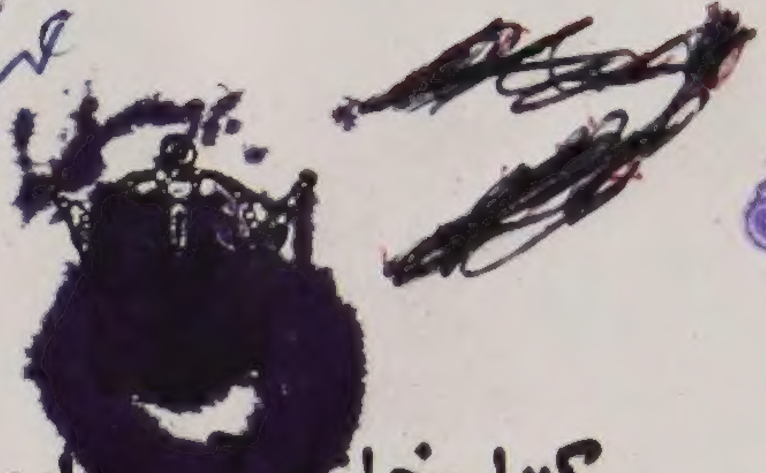
... ز و ر بشت و نگهداری ...
... جلال الدین محمد
مجد الاشراف ...



کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب مکاتیب مجد الاشراف فارسی
مصنف جلال الدین محمد حسینی
مؤلف
خطی شکسته نستعلیق مختلف الخط
چاپی
سال چاپ یا تحریر .... عدد اوراق ۱۸۲ ورق
جزء کتب ادبیات شمارهٔ ....
شمارهٔ عمومی ۹۳۹۱ شمارهٔ قبض ....
واقف حاج شمس الدین بروجردی تاریخ وقف شهریور ۱۳۴۴
طول ۲۴ عرض ۱۶ گنجه ....

۲۴۳

باینسیار حضرت شیخ سلطان مولانا مد ظله شرف صدور یافته
آقای صفی العارفین ایده الله تعالی [illegible]
حق
آقای صفی العارفین [illegible] در اصلا [illegible] نزد [illegible]
نحو حضور ولایت [illegible] عالم اسلام [illegible]
بکمال الیقین بالذکر و [illegible] که در [illegible] مبارک [illegible] بیاید [illegible] اخبار
و رسالهٔ [illegible] که در [illegible] مبارک [illegible] فصل الخطاب
آدرس [illegible] فصل الخطاب [illegible] حضرت [illegible]
و بعضی اند [illegible] بزرگان [illegible] حضرت [illegible] سید [illegible] اعتراض دارد
که رسید [illegible] بزرگان باشد [illegible] شیخ احمد [illegible] تربیت شد [illegible]
تربیت یافته مرحوم شیخ احمد [illegible] از شیخ مرحوم [illegible] سید [illegible]
در رساله حضرت [illegible] خوانده و [illegible] حاجی سید کاظم [illegible] مرحوم سید [illegible] حقیقت
فصل الخطاب [illegible] حاجی سید [illegible] فقط [illegible] حقیقت
گوید [illegible] فنا و بقا [illegible] و صفات بادله عقلیه و نقلیه [illegible] حقیقت
که [illegible] و توحید ذات و صفات [illegible] حقیقت و مجاز [illegible] طرق [illegible]
و [illegible] حقیقت اشراق [illegible] حقیقت بعد التحقیق
گویم [illegible] حقیقت [illegible]
چنانچه

چنانچه در همین فصل الخطاب
تصریح فرموده اند که توحید [illegible] حقیقت است
خواص [illegible] حقیقت و مجاز [illegible] سلیمانخان
در [illegible] حاجی سید [illegible] علیهم اجمعین [illegible]
مرحوم شیخ [illegible] عالم [illegible] رحمه الله [illegible] نجف [illegible]
مرحوم [illegible] شیخ [illegible] [illegible] موجود دارم [illegible]
مرحوم [illegible] [illegible] خود [illegible] ولایت
بعالم [illegible] [illegible] محبت [illegible]
با اخلاص [illegible] فصل الخطاب [illegible] کعبه [illegible] فصل الخطاب
ابن [illegible] فصل الخطاب [illegible] خدا [illegible] معصوم [illegible] سیاست
ترقیات [illegible] مطلب [illegible] [illegible] خلق
رد و قدح [illegible] یقین [illegible] صورت [illegible] نیست
گردیده است [illegible] مرحوم امام فخر رازی [illegible] ریاضات [illegible] بنده [illegible]
معترض [illegible] امام فخر رازی [illegible] عرفان [illegible] ارادت [illegible]
با نوع [illegible] خدا [illegible] امام فخر رازی [illegible]
به [illegible] خدا [illegible] [illegible]
سلام [illegible]
[illegible] نوشت [illegible] خود

سواد توقیع مبارک عمدة العلماء الربانیین و زبدة الکملاء الالهیین وحید دهره و قطب عصره حضرت ملا زین [illegible]
رضوان جایگاه حاجی ملا [illegible] روضه خوان طاب ثراه صادر شده است

هو الله المعین المستعان

بسم الله الرحمن الرحیم

یا حبیب قلوب العارفین و مطلوب المشتاقین بلغکم الله مقام الفقراء
رقیمهٔ کریمهٔ محبت شیمه که بعالیجاه مقدس القاب [illegible] مخدوم الفقرا عبدالحسین خان
[illegible] بسواد افشار قلمی و در عنوان اظهار [illegible] فقیر را ملاقات فرمایند و [illegible] دست فقیر
[illegible] طلب دعا و توجه از فقیر نموده [illegible] رحمت کشیده بمنزل فقیر تشریف آورده کمال محبت و ادب
بجای آورده مکتوب آنجناب را آورده زیارت کردم و از پاکی فطرت و محبت قلبی تمام
اطلاع کامل حاصل نمودم ایشان هم شمه‌ای از اوصاف حمیدهٔ آنجناب بیان فرمودند بطوری که
قلب فقیر را مایل ملاقات و مشتاق لقای [illegible] ولیکن متفکر بودم که آشنائی باطنی آنجناب با فقیر
از کجا حاصل آمده تا آنکه دیدم در رقیمه فقره [illegible] بکتاب فضایل و معارف کتاب
حقایق و عوارف تالیف عمدة العلماء و زبدة الحکماء [illegible] السالک و العرفا علامه فخر الحاج
جناب الفقراء [illegible] حاج میرزا محمد خوئی [illegible] این معنی باعث
خوشنودی قلب فقیر گردید زیرا که [illegible] جناب حقایق و معارف کتاب نور قلوب الاولیاء و قرة
عیون العرفاء حبیب قلبی و قرة عینی آقا محمد جعفر [illegible] دار السلطنه تبریز [illegible]
و بر وجه [illegible] سلام [illegible] هدایت و دستگیری طالبان [illegible] طالب بسیار
و طیب [illegible] در آسمان [illegible] هدایت طالبان باشد

بعون الله

بعون الله [illegible] حضرت سلطان العلماء [illegible] ایشان جمعی را بصراط المستقیم ولایت
[illegible] رضوان الله علیهم راهنمائی کرده و در [illegible] طریقت
[illegible] اسماء الله [illegible] نور ولایت عیون قلوب ایشان
بالبصیرت [illegible] ایشان را [illegible] نمعه [illegible]
[illegible] افضل و اکبر و اشرف [illegible] ایشان جناب حاج معظم الیه میباشند
رقیمه جات عربیه و فارسیه ایشان [illegible] بفقیر رسیده [illegible] قلبی باطنی خود را [illegible]
بفقیر نوشته‌اند و بحمدالله قلب ایشان [illegible] بنور ولایت این سلسله علیه [illegible] سلمه الله
[illegible] و تشخیص حق از باطل [illegible] انسانی [illegible]
و شایسته دستگیری و هدایت طالبان الهی میباشند و امروز بر تمامی [illegible]
و الصفات [illegible] ایشان [illegible]
سلوک [illegible] ایشان [illegible] نور قلبی و ولایت ایشان [illegible]
با فهم جناب شما [illegible] حاصل [illegible] معلوم گردید
[illegible] بصیرت قلب شما [illegible] نور ولایت آنجناب [illegible]
و [illegible] تشخیص [illegible] حق از باطل [illegible]
چنانکه وارد است که اذا اراد الله بعبد خیرا فتح عینا
قلبه کمال عنایت الهی درباره [illegible] اولیاء خفیا
[illegible] که ان لله اولیاء اخفیاء [illegible] نور ولایت

از روز خوشتر است و تا حال از باطن ولایت سلامت روی شده است در دعاگوی جمله دوستان

جانی خاصه خاصان کوتاهی نداشته است خاص الخاص آقای حاجی ابو طالب آقای مالک

طول الله عمره و سره در باب زیارت عتبات آرزو شما مرقومه موقوف بنصیب است

تا قلاوزت نجنبد تو مجنبی

باستیاز حضرت مستطاب آقا اردو جناب الوهاب بلغه الله در توشیح قبض سفارش صادر کردیده

هو

از هزاران تن یکی زان صوفیند ما بقی در حالت او میزیند حضرت شما حضرت صفیر

العارفین هاکم سیر بیابشید که سیرهای سلاک شما و ایشان جملگی از باطن شما با نها میرسد بعبارة

اخری در مرتع ملک قلب وسیع شما میچرند و بهره میبرند از خانه پدر و مادرشان که بنیاد کرده اند

پدر معنوی است که آنها سو شبانی دارد و نعمت ولایت دمبدم میخورند و هم آقای صفیر العارفین

هر کجا هست خدایا بسلامت دارش چنین ترانه ها بفقیر رسانیدند حالی کردم که اینها حسنات

باطنیه شما است والا القلقه لسانی منحصر بذکر صبح و شام و آنکه جزئی چه است که این آثارها

برش مترتب گردد بلی امر سببابی امرین چه خوب فرموده تو تیرکی برخورشید آرو هیچ مکو که او

معالجه این عمی نکوداند حالا این رفقا بمشابه حجر موضوع بجنب انسان کامل اند که منشا این آثار

و احکام میکردند براحدی مشتبه نباشد بلی اگر سالک را عنایت حق یار گردد در این آثار ثابت شود

مال خودش خواهد شد والا فلا از آنستکه ناثابت اگر کسی دور گرد از سر خودش بالکلیه سرتاسر

از کفش میرود چه مال خودش ابداً نبود وقتیکه رجعت نماید دارا میشود خودش هسیم است

مگر حضرت پیر او سوالی فرماید پس دارا جناب شما میباشید نه آنها و جمیع همگی آنها مال

شما است

شما است که آنها سو بوده اند [illegible]

و محبت شما است [illegible]

[illegible] محفوظ

حقارت [illegible] صدق [illegible]

[illegible] السلطان [illegible] النظام [illegible]

[illegible]

خدمت سر کشیدگان حضرت [illegible] بارادت [illegible] عرض سلامی [illegible]

زاد الله [illegible] لبنب [illegible] حقوق [illegible]

[illegible] عدم اطاعت آقای [illegible]

حالات [illegible]

[illegible] جلال الدین [illegible]